

نایابی جان برای ایران می جنگم

فوتبال زنان



به همه بچه‌های تیم حس مادرانه دارم

مهرورز ساعی از حسرت بزرگش برای نرسیدن به مدال المپیک می‌گوید اما حالا خوشحال است که شاگردش به این مدال دست پیدا کرده است

مهرورز به اندازه برادرش هادی مدال ندارد، با این حال یکی از چهره‌های سرشناس تکواندو به حساب می‌آید. در روزهایی که ورزش زنان ایران تازه با به تورنمنت‌های بین‌المللی گذاشته و مراجع جهانی را مجاب کرده بود که با حجاب هم می‌شود ورزش کرد، مهرورز ساعی یکی از نخستین مدال‌های تکواندو زنان را صاحب شده مدال برنز بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ دوحه را. مهرورز هم مثل برادرش سال‌ها با بی‌مهری از تکواندو دور ماند و بعد از ریاست هادی در فدراسیون او هم به‌عنوان مربی به این رشته برگشت؛ بازگشت با مدال برنزی که شاگردش، مبینا نعمت‌زاده در بازی‌های المپیک پاریس گرفت.

۹۰ت در ۲ دهه اخیر حضور کم‌رنگی در تکواندو داشتید. چه شد که دوباره برگشتید؛ فقط به‌خاطر هادی؟
شخصی از این رشته فاصله گرفتم. بعد ۲، ۳ سال در لیگ تیم داشتیم و این بار خواسته و ناخواسته و از سر اجبار کنار رفتم. دوست نداشتم با کسلسانی کار کنم که دل‌شان نمی‌خواست من را ببینند. ۲۳ سال قبل از اینکه آقاهادی رئیس فدراسیون شود، در لیگ برتر تیم داشتیم؛ بعد از این هم که هادی رئیس شد، خانم مینو مناج از بین چند گزینه، سرمربی تیم ملی زنان شد و او هم از من خواست که کنارش باشم و به تیم ملی کمک کنم. من هم با کمال میل انتخاب کردم.

۹۱ت چرا هادی و شما را دوست نداشتید؟
چلنجی با خود من نداشتم، همه مخالفت‌هایشان با آقاهادی بود. او به‌عنوان مدیر تیم‌های ملی حرف حق را می‌زد؛ حرفی که به نفع تیم ملی بود ولی آنها می‌خواستند کار خودشان را انجام بدهند و به‌خاطر همین با هادی مخالفت می‌کردند. من هم چوب خواهر هادی بودن را می‌خوردم.

۹۲ت الان هم حرف‌های دیگری مطرح است مثلاً اینکه شما فقط به‌خاطر خواهر هادی بودن مربی شده‌اید و به‌خاطر همین هم همه کاره تیم ملی شما هستید نه مینو مناج.

ما سلسله‌مرتب تکواندو را بلدیم. هر کسی این حرف را می‌زند تکواندو را نمی‌شناسد. در رشته مادرب حرف اول را می‌زند و نخستین فعل به‌جا آوردن حق پیچسکوست است. من در تیم ملی با خانم مناج کار کرده‌ام و او کوچ من بوده است و با او مدال گرفتیم و با او مدال کسوت یعنی چه. الان هم با افتخار کنار او کار می‌کنم.

۹۳ت دوست نداشتید به‌عنوان بازیکن به المپیک می‌رفتید نه مربی؟
سال ۲۰۰۴ می‌سستم رنکنینگ نبود و فقط از مسابقات انتخابی جهانی و آسیایی می‌شد به سهمیه رسید. مسابقات آسیایی هم راحت بود. من و سارا خوش‌چهره‌های جهانی را شسرتکت کردیم ولی برای آسیا تصمیم عوض شد و جای من یکی دیگر رفت. با توجه به حرفی‌هایی که در مسابقات آسیایی بودن من می‌توانستم سهمیه بگیرم ولی خوب نشد. الان ولی با شاگردم به المپیک رفتم و با مدالی که مبینا گرفت کمی اتفاقات آن روزها جبران شد.

۹۴ت حسرت مدال المپیک را ندارید؟
حسرتش که برای همیشه می‌ماند ولی لذت بردن از مدال شاگرد هم خوب است.

۹۵ت کنار مربیگری، نقش مسادر را هم برای مبینا بازی می‌کنید؟

در ادو هانه، چون خیلی سختگیرم و انضباط برابم خیلی مهم است ولی در مسابقات نه فقط به مبینا که نسبت به همه بچه‌های تیم حس مادرانه دارم. برای من هیچ کدام از بچه‌ها با هم فرقی نمی‌کنند، چه شاگرد خود باشند چه شاگرد دیگران. در مسابقات سعی می‌کنم به آنها محبت کنم. به هر حال آنها مدت‌ها از خانواده دور هستند و نیاز دارند که مهر و محبت ببینند.

۹۶ت اتفاقی که در اردوی پسرها نمی‌افتد و فقط یک پدر سختگیر بالای سرشان است...
فکر کنم آنجا همین جور است.

۹۷ت دوباره به حضور در مسابقه و دوباره دیده شدن چه حسی برای شما داشت؟
دوره‌ای که بازیکن تیم ملی بودم دیده‌شدن برابم مهم بود. در سن کم این دیده‌شدن است که به ورزشکاران انگیزه می‌دهد. ولی الان دیگر واقعا برابم مهم نیست. تنها چیزی که اهمیت دارد، موفقیت تیم است و نتیجه‌ای که می‌گیریم.

۹۸ت مدال‌های پاریس می‌تواند ادامه داشته باشد؛ به‌نظر می‌رسد حفظ همین مدال‌ها هم کار سختی است.
ما به هر چیزی که می‌خواستیم رسیدیم ولی به بچه‌ها هم گفته‌ام کار ما از این به بعد سخت‌تر می‌شود. باید بیشتر تلاش کنیم تا مدال‌هایمان خوش‌رنگ‌تر شود و اینکه فقط ناهید کیانی روی سکوی جهانی نرود. همه دخترهای ما باید بتوانند جهانی شوند.

۹۹ت مبینا می‌خواهد تغییر وزن بدهد و به وزن ناهید برود. شما با تصمیم او موافق هستید؟
او باید یک وزن و حتی ۲۰۰ وزن بالاتر برود. اگر وزنش را تغییر ندهد آسیب می‌بیند. آنها باید انتخابی بزنند.

۱۰۰ت اما یکی از آنها حذف می‌شود و یک شانس مدال را از دست می‌دهید؟
باید مدیریت کنیم که کدام یک از آنها در چه وزنی مسابقه بدهند. ناهید برای جهانی در ۵۳ کیلوگرم مسابقه داد و برای المپیک به ۵۲ کیلو رفت. دغدغه‌های بابت آنها نداریم؛ هر کدام در هر وزنی خوب باشند، آنجا می‌مانند.

۱۰۱ت یکی از انتقادهایی که به شما به‌عنوان مربی مبینا و فدراسیون می‌شود این است که سر قضیه درخواست او برای تحصیل در دانشگاه مدیریت خوبی انجام نشتد و حتی شما به موضوع ورود نکرده‌اید.

مبینا خطایی نکرده بود که من بخوام ورود پیدا کنم. او بعد از مسابقه هیجان زده بود و وقتی چند خبرنگار دورش کردند و ارزش پرسیدند چه خواسته‌ای از رئیس جمهور دارد، موضوع تحصیل بدون کنکور مطرح کرد. حتی آقای ساعی بعدا به او خریدید و گفت اینکه حق توست و همه قهرمانان المپیک بدون کنکور درس می‌خوانند، یک چیز دیگری می‌خواستی... در یک مصاحبه دیگر از مبینا سؤال کردند علاقات به چه رشته‌ای است و او هم گفته بود پزشکی. حالا اگر اینکه این دو مصاحبه را کنار هم می‌گذارند و یک داشت دیگری می‌کنند، از کم‌لطفی دوستان است. متأسفانه با این حرف‌ها مدال مبینا و کارش را کم‌رزش کردند.

مبینا نعمت‌زاده پس از رسیدن به برنز المپیک ۲۰۲۴، حالا هدفی جز رسیدن به طلای المپیک ۲۰۲۸ ندارد

و خانواده من را با او همراه کردند تا کمی از آن حالت بیرون بیایم. در آن سال‌ها پدرم عضو تیم ملی پرورش اندام بود و سختی‌های ورزش حرف‌های را دیده بود و اصلا دوست نداشت من هم وارد دنیای حرف‌های شوم. من فقط ورزش می‌کردم اما یک دفعه مسابقه دادم، دیدم مدال استانی و کشوری دارم و عضو تیم نونهالان شده‌ام. در ۱۰ سالگی مدال طلای آسیا را گرفتم و پدرم تا به‌خودش آمد، دید مدال جهانی روی گردن من است و دیگر قبول کرد من در این مسیر قرار گرفته‌ام و باید ادامه بدهم. بعد از آن دیگر پدرم کنارم قرار گرفت.

۹۰ت کار خاصی برایت انجام می‌دهد؟
تمرینات بدنسازی ام‌ار زیر نظر پدرم انجام می‌دهم. او برابم برنامه‌ریزی می‌کند و تغذیه‌ام هم با خودش است. قد من یک متر و ۷۸ سانتی‌متر است و با این قد در وزن ۴۹ کیلوگرم مسابقه می‌دهم. مشخص است که برای رسیدن به این وزن کیلوهای زیادی کم می‌کنم اما این وزن کم کردن بدون آسیب‌پذیری است و همیشه سر حال هستم و این از لطف پدر است. وزن اصلی من ۶۰ کیلوگرم است و با هفته رژیم به ۴۹ کیلو می‌رسم.

۹۱ت چه کار می‌کنی؟
این رمز کارم است.

۹۲ت نمی‌خواهی وزن بالاتر بروی؟
چرا از این به بعد یک وزن بالاتر می‌روم.

۹۳ت آنجا که ناهید کیانی هست؟
در این مورد حرف نمی‌زنم. ما با هم دوست هستیم.

۹۴ت یکی از امتیازاتی که داری قد بلند است. چقدر این قد در رسیدن به مدال برنز کمک کرد؟
خیلی. چون قدم بلند است، حریف نمی‌تواند راحت به سرم ضربه بزند و فاصله را کم می‌کند و وقتی فاصله کم می‌شود باز هم من هستم که بهتر ضربه می‌زنم و کار برای آنها سخت می‌شود.

۹۵ت ۴ سال دیگر در المپیک لس‌آنجلس هستی؟ چه کار می‌کنی؟
از الان برای مدال المپیک بعدی برنامه دارم و باید مدالم را خوش‌رنگ‌تر کنم. فقط هم با تلاش و صبر می‌شود به این خواسته رسید. من باید به چیزی که می‌خواهم پایبند باشم و در این مسیر ممکن است هر اتفاقی بیفتد؛ بیازم، زمین بخورم، پرواز کنم ولی همیشه باید پام باشد که همه کارهای من فقط برای رسیدن به طلای المپیک ۲۸ است.

۹۶ت چه شد که مدالت را به امام زمان (عج) تقدیم کردی، همان‌جا تصمیم گرفتی یا قبلا پیش‌فکر کرده بودی؟
من با امام زمان (عج) عهد بسته و ازش کمک خواسته بودم. گفته بودم اگر مدال گرفتم حتما تقدیم خودش می‌کنم و این کار را هم کردم.

۹۷ت تولیت مسجد چمرکان هم گفته که می‌توانی خادم افتخاری مسجد باشی. در این باره صحبتی شد؟
نه با من صحبتی نکردند و من هم فقط خیرش را دیدم. اگر قبول کنند خیلی دوست دارم این کار را انجام بدهم.

۹۸ت مسافر کربلا هم که هستی؛ نخستین سفر بعد از المپیک چرا کربلا را انتخاب کردی؟
این سومین بار است که به کربلا می‌روم. آنجا را دوست دارم. هم می‌خواهم یکبار دیگر کربلا را زیارت کنم و هم ندی را که دارم، ادا کنم.

۹۹ت این زیارت را برای نذر نکرده بودی؟
کلی نذر دارم که در یک دفتر نوشته‌ام. یکی از نذرهایم این است که ۲۵۰۰ دونات در کربلا بپخش کنم. یک نذر هم پخش شکلات در حرم است.

۱۰۰ت خیلی‌ها دهه هشتادی‌ها را از روی ظاهرشان قضاوت می‌کنند و فکر کنیم این حرف‌های شما برای شان جالب باشد. مثلاً شاید حتی فکر کنند شما اهل نماز خواندن هم نباشی.
اتفاقاً سعی می‌کنم سر وقت نماز بخوانم ولی همیشه نمی‌شود.

۱۰۱ت قبل از المپیک صحبت از این بود که شاید یکی دو نفر از ورزشکاران کاروان از ایران بروند و زیر پرچم کشور دیگری مسابقه بدهند. شما هم از کشورهای دیگری پیشنهاد داشتی، به رفتن فکر کردی؟
پیشنهاد داشتیم ولی من هیچ‌وقت به رفتن فکر نمی‌کنم و نمی‌خواهم که بروم. تا پای جان برای ایران مبارزه می‌کنم.

۱۰۲ت خیلی‌ها به مسابقه دادن با حجاب عادت کرده‌اند، برای کسانی مثل شما که تازه وارد دنیای قهرمانی شده‌اند، سخت نیست که با پوشش متفاوت از استانداردهای مسابقه بدهی؟
من از بچگی با حجاب تمرین می‌کنم و دیگر عادت کرده‌ام. الان دیگر ما ایرانی‌ها تنها نیستیم. از کشورهای دیگری مثل ازبکستان و عربستان هم ورزشکارانی با حجاب می‌آیند.

۱۰۳ت در تکواندو واقعا مسابقه دادن با حجاب و بی‌حجاب متفاوت است؟
نه واقعا فرقی نمی‌کند.

۱۰۴ت چه برنامه‌ای برای آینده داری؟
اردیبهشت سال دیگر مسابقات قهرمانی جهان چین را داریم. من باید وزنه بزنم و قدرت بدن‌ام را بالاتر ببرم. می‌خواهم در نخستین جهانی‌ام با تیم ملی بزرگسالان بهترین نتیجه را بگیرم.

مبینا نعمت‌زاده در این چند روز بیش از همه نام او را در ورزش شنیده‌ایم، حتی بیشتر از کسانی که مدال طلای بازی‌های المپیک پاریس را گرفتند. مبینا از روزی که به سهمیه المپیک ۲۰۲۴ رسید خبرساز شد؛ سهمیه المپیک برای دختر ۱۹ ساله که تیم دختران المپیک تکواندو را برای اولین بار دونفره کرد. کسی به مدال اول‌دلیل نیسته بود و تصور این بود که چند دقیقه روی شاپ‌جانگ پاریس دوام می‌آورد و خیلی زود با بازی‌ها خداحافظی می‌کند. اما او فراتر از تصورات بود، نه تنها مبارزه اول را برد که در دیدار دوم مدعی‌ترین فرد ورزش را شکست داد. قهرمان جهان را. مبینا در نخستین حضور در یک میدان بزرگ به مدال برنز المپیک رسید اما بیشتر از اینکه مبارزه‌هایش دیده شود، بیشتر از اینکه از مدال‌ش بگویند، در این چند روز به او تاخند؛ چرا، چون ناشیانه از خواسته‌های دلش حرف زده بود. در این چند روز به قدری به او تاخند که در اول صحبت‌هایش شرط گذاشت از دانشگاه و تحصیلات حرفی نزنند.

۹۰ت کدام بخش از بازی‌های المپیک برایت جذاب‌تر بود؟
مسابقه‌ای که آدرینا ایگلسیز اسپانیایی را شکست دادم، بهترین اتفاقی بود که در پاریس برابم افتاد.

۹۱ت حتی از مدال برنز مهم‌تر بود؟
آن مبارزه فینال زودرس برای من بود. وقتی آدرینا را بردم انگار مدال طلا را به من دادند. همه برنامه‌هایم را روی شکست او متمرکز کرده بودم. پیش خودم می‌گفتم اگر آدرینا را ببرم، دیگر طلایم قطعی است. واقعا لذت شکست دادن او از گرفتن برنز برابم بیشتر بود.

۹۲ت چرا نتوانستی به فینال بروی، خیلی زود اشباع شدی؟
نه اصلا اشباع نشدم. قبلا با حریف چینی ۲ بار بازی کرده بودم و ۳ بار هم به او باخته بودم. همه مبارزاتش را آنالیز کرده بودم و می‌توانستم شکستش بدهم و فینالیست شوم. سرعت او خیلی بالاست، برنامه‌ام این بود که بازی را آرام کنم تا امتیاز ندهم ولی در هر ۲۰ ثانیه‌های پایانی و روی اشتباهات خودم امتیاز از دست دادم. البته که داور در راند دوم کار من را خراب کرد. این داور اصلیت چینی دارد و مقیم فیلیپین است. خیلی درست قضاوت نکرد.

۹۳ت حتما خودت را سر این باخت سرزنش کردی؟
آن موقع جایب نبود و باید برای ریه‌شارژ آماده می‌شدم، فرصت سرزنش کردن نداشتم و باید خودم را جمع‌وجور می‌کردم. من بعد از هر باخت خیلی ناراحت می‌شوم و سخت می‌توانم به شرایط عادی برگردم. بعضی وقت‌ها یک هفته طول می‌کشد تا به‌خودم بیایم ولی در پاریس به‌خودم گفتم باید قوی باشی تا بتوانی به مدال برنز برسی. پیش خودم گفتم مدال طلا را که از دست دادی، یک کاری نکن که مدال برنز را هم از دست بدهی.

۹۴ت اعتماد به نفست بالاست یا واقعا در خودت توانایی قهرمانی المپیک را می‌دید؟
بسه هر حال آدرینا اسپانیایی رنگ جهان بود و وقتی هم قرعه کشی شد، تصور این بود که در آن مرحله حذف می‌شوی. قبلا با او بازی کرده بودم در ۳ راند با نظر داور به او باخته بودم. من مدال طلا را می‌خواستم و ایمان داشتم که به آن می‌رسم. برابم هم مهم نبود که قرار است جلوی چه کسی بازی کنم. من فقط خودم را می‌شناختم و خودم را می‌دیدم نه حرف‌هایم را. به خودم می‌گفتم بقیه باید از قد و قامت من بترسند نه من از آنها. ۲ ماه مانده به شروع بازی‌ها سبک بازی و تکنیک‌هایم را تغییر دادم و این موضوع خیلی به من کمک کرد تا به آمادگی برسم. وقتی بدن آماده باشد، روان هم این آمادگی را می‌بیند و به موقع به دادت می‌رسد.

۹۵ت قبل از اعزام به پاریس، کسی تصور نمی‌کرد که بتوانی مدال بگیر. در اصل شانسی برایت قائل نبودند. اینکه این نگاه روی تو بود، اذیتت نمی‌کرد؟
اصلا من به آن چیزها فکر نمی‌کردم و برابم مهم نبود. من یک حباب امن برای خودم درست کرده‌ام که آنجا چند نفر مهم در زندگی‌ام حضور دارند؛ اعضای خانواده، استادم و چند نفر دیگر که در تکواندو به من نزدیک هستند. این افراد همیشه خیر من را می‌خواهند. حرف آنها فقط برابم مهم است؛ حرف پدرم که صدمه‌صد به من ایمان داشتم، همینطور حرف هادی و مهرورز ساعی. آنها تغییر کردن من را می‌دیدند و می‌دانستند که من می‌توانم نتیجه بگیرم. پدرم ۸ سال پیش به من گفت تو در بازی‌های ۲۰۲۴ می‌توانی مدال بگیر و همینطور هم شد.

۹۶ت چطور شد که مسیر زندگی‌ات تا تکواندو یکی شد؟
من در بچگی خیلی خجالتی و آرام بودم. آن موقع خاله‌ام تکواندو کار می‌کرد

۹۰ت گفتی که نمی‌خواهی درباره موضوع درس خواندن و قفسیه دانشگاه صحبت کنی. اما فکر نمی‌کنی در این سن باید یک مدیر برنامه، یک بزرگ‌تر داشته باشی تا در این مواقع بهت کمک کند؟
من یک مشکل بزرگ دارم؛ حرف گوش کن نیستم و خیلی جاها چوبش را خورده‌ام. الان پدرم همه کارهای من را انجام می‌دهد و باید حرف او را گوش کنم ولی تا وقتی خودم یک چیزی را تجربه نکنم، آن را نمی‌پذیرم. خیلی هم چوبش را خورده‌ام ولی درست نمی‌شوم. من خیلی عجولم و صبر ندارم. مثلاً اینکه در مسابقات انتخابی جهانی بد بازی کردم فقط به‌خاطر اینکه قبلیش به یک تورنمنتی رفته بودم که اصلا مهم نبود و پدرم گفته بود که نرو.

